



فصل چهارم

مدل طیبیانه

ریشه یابی وقوع فاجعه کربلا

مدل طیبانه:

در این روش سخنران ابتدا درد یا همان مشکل مخاطب را به صورت دقیق شناسایی می‌کند. بعد از مشخص شدن درد داروی متناسب با آن را از میان آموزه‌های دین شناسایی می‌کند و در پایان فرایند درمان و دستورالعمل دین را برای رفع درد و مشکل به مخاطب عرضه می‌نماید.

عنوان: ریشه‌یابی وقوع فاجعه کربلا

اهمیت طرح بحث:

دین اسلام طرح و برنامه کاملی برای رشد و کمال انسان ارائه داده، که مسیر او را تا رسیدن به نقطه سعادت، مشخص کرده است. در این طرح کلی، مبدأ حرکت، راه، راهنما، راهزن و مقصد به خوبی تبیین شده است و اگر هر کدام از این مراحل به خوبی تبیین نشود سالک راه هدایت، نمی‌تواند سلامت به مقصد برسد. یکی از مهم‌ترین قسمت‌های طرح کلی هدایت، شناخت راهزن

در مسیر سلوک می‌باشد. تعابیر مختلفی برای نشان دادن راهزن مورد استفاده قرار گرفته است، از قبیل: دشمن، شیطان، هوای نفس، نفس اماره و ... در بستر اسلام یزیدی، مسلمانان به بیماری غفلت از دشمن مبتلا می‌شوند و همین بیماری، آن‌ها را از رسیدن به سعادت باز می‌دارد. وقتی به داستان عاشورا و شهادت حضرت اباعبدالله الحسین علیه السلام نگاه می‌کنیم، در می‌یابیم که یکی از بیماری‌های جدی مسلمانان آن زمان، نشناختن دشمن و دوست واقعی‌شان بوده است. امت رسول خدا صلی الله علیه و آله بعد از گذشت چند سال از رحلت ایشان در سال ۶۱ هجری نوه‌ی ایشان را در کربلا به بدترین شکل ممکن س‌رمی بُرد. این مردم، به دردهای مختلفی دچار بودند که در اینجا به دو درد، اشاره می‌کنیم و شیوه درمان آن را با استفاده از آیات و روایات بیان خواهیم کرد.

انواع دردهای امت در عصر امامت:

۱. بی‌بصیرتی در شناخت دشمن

اولین درد مردمی که امام حسین علیه السلام را یاری نکردند، این بود که نمی‌توانستند دشمن واقعی را از دوست واقعی تشخیص دهند. مثل مردم کوفه که حضرت زینب علیها السلام به آنان فرمود: «وَيَلِكُمْ يَا أَهْلَ الْكُوفَةِ أَتَدْرُونَ أَيَّ كَيْدٍ لِرَسُولِ اللَّهِ فَرَيْتُمْ وَ أَيْ كَرِيْمَةٍ لَهُ أَبْرَزْتُمْ؟» وای بر شما ای مردم کوفه، می‌دانید چه جگری از رسول خدا صلی الله علیه و آله بریدید و چه پرده‌نشینی از حرش بیرون کشیدید؟» آن‌گاه که مردم از روی نادانی به اسرا کم‌توجهی می‌کردند، فرمود:

«قَالَ أَيُّهَا النَّاسُ مَنْ عَرَفَنِي فَقَدْ عَرَفَنِي وَمَنْ لَمْ يَعْرِفَنِي فَأَنَا
 أُعْرِفُهُ بِنَفْسِي أَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ.»^۲
 قَالَ الرَّاوي: «فَأَشْرَفَتِ امْرَأَةٌ مِنَ الْكُوفِيِّاتِ فَقَالَتْ مِنْ أَيِّ
 الْأَسَازِيِّ أَتَيْتَنِي فَقُلْنَا مَنْ أَسَازِي آلِ مُحَمَّدٍ ص فَتَنَزَلَتْ الْمَرْأَةُ
 مِنْ سَطْحِهَا فَجَمَعَتْ هُنَّ مَلَاءً وَأَزْرَاءً وَمَقَانِعَ وَأَعْظَمَهُنَّ
 فَتَعَطَّيْنَ؛»^۳

راوی گوید: زنی از کوفیان بر اسیران اشراف یافته و گفت: شما
 از اسیران کجایید؟

گفتند: ما اسیران از آل محمدیم ﷺ. آن زن از بام فرود آمده
 و ملاحف و شلوارها و مقنعه‌هایی فراهم آورده به اسراء داد
 تا خود را ببوشانند.»

اما در شام اوضاع خیلی بدتر از کوفه بود، به گونه‌ای که وقتی امام
 زین العابدین علیه السلام به حالت اسیری وارد شام شد، پیرمردی از اهل
 شام به حضرت گفت: به خدا سوگند! من هرگز نمی‌دانستم که
 محمد صلی الله علیه و آله و سلم را به جزیزید و خویشان او، خویشاوند دیگری هم
 هست!!^۴

۲. بی‌بصیرتی در روش برخورد با دشمنان

سلیمان بن صرد خزاعی از شیعیان خاص حضرت علی علیه السلام که
 در همه یا بیشتر جنگ‌ها در کنار امامش حضور داشته است و در
 جنگ صفین یکی از فرماندهان سپاه امام بود. اما در برخی موارد
 با برخورد نامناسب با دشمن و عدم بصیرت کافی مشکلاتی را
 برای امام علی، امام حسن و امام حسین: به وجود آورد.

سلیمان در جنگ جمل شرکت نکرد و زمانی که امیرالمؤمنین علیه السلام

از بصره بازگشتند او را این‌گونه توبیخ کردند: «تو دچار تردید شدی (درحالی‌که نزد من موثق‌ترین مردم بودی) و چنان‌که می‌پنداشتم در یاری دادن به من سریع‌ترین آنان محسوب می‌شدی...»^۵

سلیمان این اشتباه و عدم بصیرت را بار دیگر در جریان صلح امام حسن علیه‌السلام با معاویه تکرار کرد. او که زمان انعقاد صلح با معاویه در کوفه نبود، خدمت امام حسن علیه‌السلام رسید و ایشان را این چنین صدارت داد: «السلام علیک یا مذل‌المومنین!» حضرت بعد از جواب سلامش به او اجازه نشستن دادند. سلیمان ادامه داد: تعجب ما از بیعت شما با معاویه رفع نمی‌شود...^۶

بعد از مرگ معاویه سران کوفه در منزل او گرد آمدند و اولین نامه دعوت را برای امام حسین علیه‌السلام نوشتند. اما وی همراه امام در کربلا نبود و بعد از آن پیشیمان شده و قیام توأبین را برای خونخواهی از امام شهیدش به راه انداخت.^۷

همان‌طور که می‌بینید، سلیمان بن صرد خزاعی، در طول عمر نود و سه ساله‌اش امامان متعدد را درک کرده، اما در این بین با اشتباهاتی که در شناخت دشمن و اقدام به موقع دارد، باعث بروز مشکلاتی می‌شود و همان‌طور که می‌دانید، در نهایت اشتباه بزرگی در عدم یاری امام حسین علیه‌السلام انجام می‌دهد که باعث حوادث و فجایع عاشورا و اسارت خاندان رسالت شد.

دارو:

الف) تذکرو یادآوری و ایجاد حساسیت در مورد اصل وجود دشمن یکی از انذارهای شدید قرآن در مورد وجود و شناخت دشمن

است؛

«إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ»^۸

البته شیطان دشمن شماست، پس او را دشمن بدانید، او فقط حزبش را به این دعوت می‌کند که اهل آتش سوزان (جهنم) باشند!

امام حسین علیه السلام نیز در مورد وجود دشمن اسلام در سخنرانی‌ای که در برابر یاران باوقای خویش و سپاه حربین یزید ریاحی داشتند، به زیبایی فرمودند:

«أَيُّهَا النَّاسُ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحَرَمِ اللَّهِ؛ نَاكِثًا لِعَهْدِ اللَّهِ؛ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ؛ يَعْمَلُ فِي عِبَادَةِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ فَلَمْ يَغْيِرْ عَلَيْهِ بَفْعَلٍ وَلَا قَوْلٍ، كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ»^۹

ای مردم، رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده است:

هر کس ببیند سلطان ستمکاری حرام خدا را حلال نموده، عهد الهی را شکسته و با سنت رسول الله صلی الله علیه و آله مخالفت می‌ورزد و در میان بندگان خدا به گناه و ستم رفتار می‌کند ولی با کردار و گفتار خود علیه او قیام نکند، خدا حق دارد او را جایی ببرد که آن سلطان ستمکار را می‌برد.

ب) شناخت ابزار و ترفندهای دشمن

دشمن برای مغلوب کردن اهل حق، از سه روش برای سه گروه از انسان‌ها استفاده می‌کند:

۱. زور (سرمایه‌های استکباری):

دشمن برای انسان‌هایی که حب دنیا در آن‌ها شدید است، از ابزار پول و زر برای تطمیع و تحریم آن‌ها استفاده می‌کند. عمر سعد از جمله کسانی است که به خاطر به دست آوردن حکومت ری حاضر شد، آخرتش را نابود کند.^{۱۱} ابن زیاد نیز برای پراکنده کردن مردم از دور مسلم بن عقیل رضی الله عنه، بزرگان کوفه را مأموریت داد که بین مردم بروند و به آن‌ها وعده احسان و زیادت‌ی از طرف حکومت، بدهند.^{۱۱}

پادزهر این ترفند شیطانی، آیه شریفه «وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ»^{۱۲} است؛ یعنی گنج‌های آسمان‌ها و زمین از آن خداست. بنابراین اگر کسی چنین اعتقاد داشته باشد که ثروت اصلی نزد خداست و بندگان، فقیران^{۱۳} عالم هستند، دیگر تسلیم زران‌دوزان و مال‌پرستان نمی‌شود.

۲. زور (قدرت‌های استکباری):

قدرتمندان دنیا، سعی می‌کنند، با تهدید و تجاوز، موحدان و مؤمنان به خداوند را، تسلیم خواسته‌های خود کنند. گروهی از انسان‌ها که از ایمان به خدا و قدرت او، کم بهره‌اند، در مقابل دشمن‌گرنش می‌کنند. مردم کوفه به خاطر ترس از تهدیدهای ابن زیاد، مسلم را در کوچه‌های غریبی تنها گذاشتند. ابن زیاد بزرگان کوفه را جمع کرد و گفت:

«اگر [هر کس افرادی را که علیه خلیفه مسلمین یزید بن معاویه، شورش کرده‌اند، معرفی نکند] ذمه ما از او بری است، و خون و مالش بر ما مباح و حلال است، و هر رئیس (و بزرگ محله‌ای) در

میان مردم آشنای خود، که از دشمنان یزید کسی را بشناسد (و به مامعرفی نکند) و او را نزد ما نیاورد بر در خانه خود به دار آویخته خواهد شد و بهره اش از بیت المال لغو خواهد گردید. ^{۱۴}

خداوند متعال در جواب کسانی که این چنین در برابر بندگان خدا کوچک و خار هستند، می فرماید:

«وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا.» ^{۱۵}

لشکریان آسمان ها و زمین، تنها از آن خداست و خداوند شکست ناپذیر و حکیم است.

اما مؤمنان به خدا ایمان دارند و از عده و عده دشمن نمی هراسند. با توجه به برخی از گزارش های تاریخی، حدود سی هزار نفر از سپاهیان یزید در برابر، یاران اندک و باوفای حضرت سیدالشهدا علیه السلام صف کشیدند؛ ولی آب در دل هیچ کدام از آن ها تکان نخورد، چون با وجود قدرت الهی خود را از هر لشگری قوی تر می دانستند.

۳. تزویر (خدعه های استکباری):

خدعه، فریب و ملبس حق به باطل از ابزارهایی است که همیشه برای جبهه باطل، کارایی داشته است. آن ها با وسوسه و زینت و با وعده های دروغین خود سعی می کنند تا حق را منزوی کنند و اراده خود را بر خواست خداپرستان تحمیل نمایند. آن ها از پدر فریب کاران (شیطان) چنین یاد گرفته اند:

«وَإِذْ زَيَّنَّ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ؛» ^{۱۶}

و (به یاد آور) هنگامی را که شیطان، اعمال آن ها [مشرکان] را در نظرشان جلوه داد. (دشمنان نیز با زینت کردن زبانه های

فرهنگی و فکری خود، در تلاش‌اند تا جوامع مسلمان را به تباهی بکشند.)

- «الَّذِي يُؤَسِّسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ»^{۱۷}

که در درون سینه انسان‌ها و سوسه می‌کند.» (با ایجاد زمینه‌های گناه و رواج آن، چنین استدلال می‌کند که ببین بقیه هم انجام می‌دهند و لذت می‌برند، توهم می‌توانی مانند آن‌ها باشی و یا با به‌کارگیری رسانه‌ها و شانناژ تبلیغاتی، مطالب مسموم خود را به فکر و دل جامعه دینی تزریق می‌کند. انگار امام حسن عَلَيْهِ السَّلَام امروز ما را دیده‌اند و با زیبایی هرچه تمام‌تر در کلامی نورانی فرموده‌اند: «وَأَحْذِرُكُمْ الْإِضْغَاءَ لَهْتَاةِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ فَتَكُونُوا كَأَوْلِيَاءِهِ»^{۱۸} (عرب به تلفن، «هاتف» می‌گوید یعنی موج) شما را بر حذر می‌دارم که به موج‌های شیطان گوش فراندهید، همانا شیطان دشمن آشکار شماست و او می‌خواهد شما را به شکل دوستان خودش در بیاورد. این روایت، اشاره لطیفی به بحث رسانه‌ها و ماهواره دارد.

- «وَاسْتَفْزِمِ مَنِ اسْتَظَعَتْ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَ أَجْلِبِ عَلَيْهِمْ بِخَيْلِكَ وَ رَجْلِكَ وَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَ الْأَوْلَادِ وَ عِدَّهُمْ وَ مَا يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا»^{۱۹}

هر کدام از آن‌ها را می‌توانی با صدایت تحریک کن! و لشکر سواره و پیاده‌ات را بر آن‌ها گسیل دار! و در ثروت و فرزندان شان شرکت جوی! و آنان را با وعده‌ها سرگرم کن! - ولی شیطان، جز فریب و دروغ، وعده‌ای به آن‌ها نمی‌دهد.»

بنابراین شیطان به‌عنوان فرمانده پلیدی‌ها، مهارت‌ها و

ترفندها را به جنود انسان نمایش و آموزش داده است تا علیه انسان‌های خدا جو به کارگیرند.

پادزهر فریب‌های شیطان در اختیار خداست و کسی می‌تواند از این حيله و مکر، جان سالم به دربرد که دل در گرو ایمان مخلصانه به خداوند متعال سپرده باشد. شیطان با همه سرکشی و غروری که دارد، اعتراف می‌کند، از فریب گروهی از مؤمنان عاجز است:

«قَالَ رَبِّ إِنِّي لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ
إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ»^{۲۰}

گفت: پروردگارا! چون مرا گمراه ساختی، من (نعمت‌های مادی را) در زمین در نظر آن‌ها زینت می‌دهم، و همگی را گمراه خواهم ساخت، مگر بندگان مخلصت را.»

لذا، کسانی که به خداوند ایمان دارند، از فریب و خدعه دشمن، ترس و واهمه‌ای به خود راه نمی‌دهند، چون مکر او بالاترین مکرهاست.

وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ.^{۲۱}

درمان:

در کوران اتفاقات و پیچیدگی فتنه‌ها و زمانی که دشمن روزبه‌روز رنگ عوض می‌کند و با طرحی نو در کمین اهل ایمان نشسته است، چگونه می‌توان از خدعه‌ها و دسیسه‌های او در امان ماند؟ چه کسی می‌تواند نقاط آسیب‌پذیر جبهه حق را یادآوری کند و راه مصونیت از ترفندهای دشمن را به ما بیاموزد؟

رسول خدا ﷺ در روایتی حیات‌بخش و نورانی که در بین شیعه و سنی متواتر است، می‌فرماید:

«إِنِّي مُخَلِّفٌ فِيكُمْ الثَّقَلَيْنِ كِتَابَ اللَّهِ وَ عَشْرَتِي أَهْلَ بَيْتِي
لَنْ تَضِلُّوا مَا تَمَسَّكْتُمْ بِهِمَا وَ إِنَّهُمَا لَنْ يَفْتَرِقَا حَتَّى يَرِدَا عَلَيَّ
الْحَوْضَ؛ ۲۲»

من در میان شما دو ثقل به جامی‌گذارم کتاب خدا و عترت خودم (خاندانم) تا شما بدین دو تمسک جویند هرگز گمراه نشوید، و راستی که این دو از هم جدا نشوند تا در سر حوض بر من درآیند.»

قرآن و اهل بیت گرامی پیامبر، راه نجات از فتنه‌ها و خدعه‌های دشمنان و شیاطین هستند. لذا هر کس در ولایت الهی وارد شود، از آسیب مصون خواهد بود. امام رضا علیه السلام به نقل از پدران گرامی شان، به نقل از رسول خدا ﷺ به نقل از جبرائیل علیه السلام و در نهایت از خداوند متعال چنین حدیث کرده‌اند که:

«قَالَ سَمِعْتُ رَبَّ الْعِزَّةِ سُبْحَانَهُ وَ تَعَالَى يَقُولُ كَلِمَةً لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حِصْنِي فَمَنْ قَالَهَا دَخَلَ حِصْنِي وَ مَنْ دَخَلَ حِصْنِي أَمِنَ مِنْ عَذَابِي؛

یعنی هر کس در ولایت الهیه وارد شود و ملتزم به آن باشد، در قلعه حفاظت‌شده حضرت حق جل‌اسمه وارد شده است و دیگر شیاطین و جنود آن نمی‌توانند به او آسیب برسانند.»

بنابراین اگر به ولایت خدا (که به پیامبر و بعد از آن اهل بیت علیهم‌صلوات‌الله و در عصر غیبت، ولایت علما و فقها بنا به سفارش امامان معصوم: سپرده شده است) تمسک بجوئیم، به فرموده حضرت حق گمراه نمی‌شویم.

اگر در شناخت دشمن و فریب‌ها و دسیسه‌هایش، دستان ما در دستان ولی خدا در هر زمان باشد، به خوبی از پس شروران‌ها برخواییم آمد. چون ولی خدا مامور به هدایت مردم است و می‌تواند با نور خدا ببیند. اوست که ترجمان قرآن کریم است و به مامی گوید دشمن کیست و چگونه و به چه میزان و در چه زمانی باید در برابرش واکنش نشان داد. متأسفانه در طول تاریخ چون مردم به خوبی از ولایت الهی حمایت نکردند و به وظیفه‌شان عمل نکردند، باعث مظلومیت امامان و گمراهی مسلمین شدند.^{۲۳}

خلاصه:

درد:

۱. بی بصیرتی در شناخت دشمن

۲. بی بصیرتی در روش برخورد با دشمنان

دارو:

الف) تذکر و یادآوری و ایجاد حساسیت در مورد اصل وجود دشمن

ب) معرفی ابزار و ترفندهای دشمن

درمان:

تبعیت از ثقلین (کتاب الله و عترت)



۱. اللهوف على قتلى الطفوف؛ ترجمه فهري، النص، ص ۱۴۸.
۲. اللهوف على قتلى الطفوف / ترجمه فهري / النص / ۱۵۷ / المسلك الثالث في الأمور المتأخرة عن قتله صلوات الله عليه.
۳. اللهوف على قتلى الطفوف / ترجمه فهري، النص، ص ۱۴۵.
۴. مقتل جامع سيد الشهداء، ج ۲، ص ۱۰۷.
۵. بيكارصفين (ترجمه وقعة الصفيين)، ص ۲۰.
۶. الإمامة والسياسة، ج ۱، ص ۱۸۵.
۷. الطبقات الكبرى / ترجمه، ج ۶، ص ۴۷۲.
۸. فاطر، ۶. رك: يوسف، ۵۳ و بقره، ۲۰۸.
۱۰. مدخله وقعة الطف / ۱۷۲ / [البيضة] ص: ۱۷۲.
۱۱. برای مطالعه بیشتر، رك: نساء، ۴۴ و آل عمران، ۱۹۹ و بقره، ۱۷۴.
۱۲. الإرشاد للمفيد / ترجمه رسولى محلاتى، ج ۲، ص ۵۲.
۱۳. منافقون، ۷.
۱۴. يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّبِعُوا الْفُقَرَاءَ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ. فاطر، ۱۵.
۱۵. الإرشاد للمفيد / ترجمه رسولى محلاتى، ج ۲، ص ۴۱.
۱۶. فتح، ۷.
۱۷. انفال، ۴۸.
۱۸. ناس، ۵.
۱۹. الأمالي (للمفيد)، النص، ص ۳۴۹.
۲۰. اسراء، ۶۴.
۲۱. حجر، ۳۹ - ۴۰.
۲۲. آل عمران، ۵۴.
۲۳. تحف العقول، النص، ص ۴۵۹.
۲۴. در آين زمينه نمونه‌هاى بسيارى در تاريخ اسلام و اهل بيت: وجود دارد كه مبلغ گرامى مى‌بايست به عنوان شاهد از آن استفاده كند.